

بروزترین و برترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO

Konkur
.info

<https://konkur.info>



درس دوم: ریشه و شاخه های فلسفه

هدف کلی: آشنایی با ریشه اصلی و شاخه های فلسفه (فلسفه مضاف)

اهداف جزئی:

۱- شناخت بخش اصلی و ریشه ای فلسفه

۲- توضیح و تبیین شاخه های فلسفه

۳- تعریف فلسفه مضاف و علت نامگذاری آن

۴- گذری اجمالی بر عناوین فلسفه های مضاف

۵- مطالعه و بررسی نظریات مختلف در فلسفه علوم اجتماعی

نکته: دانش فلسفه یک بخش اصلی دارد که آن ریشه و اساس است و تعدادی بخش فرعی که به آن فلسفه

مضاف می گویند.

بخش اصلی و ریشه ای فلسفه:

این بخش در صدد بحث و بررسی: - اصل و حقیقت وجود و مسائل پیرامون آن است.

نکته: این سوال که: «آیا در هستی قانون علیت جاری است یا نه؟» مربوط به بخش اصلی و ریشه ای فلسفه می باشد.

بخش اصلی و ریشه ای فلسفه به دو بخش تقسیم می شود:

معرفت شناسی

هستی شناسی

هستی شناسی: درباره قوانین و احکام کلی و عام حاکم بر هستی و وجود بحث می کند.

معرفت شناسی: توانایی انسان در شناخت هستی را مورد مطالعه قرار می دهد.

شاخه های فلسفه (بخش های فرعی یا فلسفه های مضاف)

آن دسته از دانش های فلسفه هستند که قوانین بنیادی و اساسی وجودشناسی و معرفت شناسی را به محدوده های خاص می برند.

نکته ۱- با تامل فیلسوفانه در حوزه هایی مانند اخلاق، دین، تاریخ و... شاخه هایی از فلسفه مانند فلسفه اخلاق، فلسفه دین، فلسفه تاریخ و... شکل می گیرد.

نکته ۲- امروزه دامنه این فلسفه ها بسیار توسعه یافته و هر رشته علمی دارای شاخه ای از فلسفه نیز هست. مانند فلسفه فرهنگ، فلسفه تکنولوژی و... .

نمودار:

علم اخلاق و علم هنر...

دانش های خاص

فلسفه اخلاق و فلسفه هنر...

شاخه های فلسفه

وجودشناسی و معرفت شناسی

ریشه فلسفه

یک سوال:

چرا به شاخه های فلسفه، فلسفه مضاف می گویند؟

زیرا کلمه فلسفه به کلمه ای که نام دانش یا موضوع خاص است اضافه شده است، مانند فلسفه فیزیک که به کلمه فیزیک اضافه شده است.

نمودار:



نکته:

مبانی وزیر بناهای علوم در فلسفه های مضاف قرار دارند و آنچه در فلسفه های مضاف پذیرفته می شود، اساس نظریات در علوم قرار می گیرد.

ذکر یک نمونه ---- فلسفه علوم اجتماعی

- ۱- فلسفه علوم اجتماعی، یکی از شاخه های مهم فلسفه است.
- ۲- یکی از مسائل مورد توجه در این شاخه از فلسفه: آیا جامعه اصالت دارد یا فرد؟
- ۳- گروهی از فیلسوفان پیرو نظریه اصالت فرد هستند و جامعه را مجموعه افراد می دانند.
- ۴- گروهی دیگر معتقدند که افراد یک جامعه نقش و هویت مستقل ندارند و اندیشه و تصمیم آنها تابع شرایط اجتماعی است.

اصالت فرد (لیبرالیسم)

- ۱- به اصالت فرد اعتقاد دارند و منافع افراد را به منافع جامعه مقدم می دانند.
- ۲- در برنامه ریزیهای فرهنگی، اقتصادی و... به منافع فردی توجه دارند.
- ۳- در سیاست هم معتقد به لیبرالیسم هستند که تامین کننده آزادیهای فردی است.

اصالت جامعه (سوسیالیسم)

- ۱- برای جامعه اصالت قائلند و منافع جمعی را در اولویت قرار می دهند.
- ۲- در برنامه های فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی سمت و سوی اجتماعی دارند.
- ۳- در سیاست نیز معتقد به سوسیالیسم هستند که تامین کننده منافع جمعی است.

دیدگاه سوم (اصالت فرد و جامعه توأمان)

۱. معتقدند هم افراد واصلت دارند و هم جامعه

۲. اگر چه افراد تحت تاثیر عوامل اجتماعی قرار می گیرند، اما قدرت تصمیم گیری خود را از دست نمی دهند.

۳. جامعه صرفا جمع افراد نیست بلکه با گردآمدن افراد و زندگی آنان با یکدیگر یک روح جمعی شکل می گیرد که می تواند بر افراد جامعه تاثیرگذار باشد.



بروزترین و برترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO

Konkur
.info

<https://konkur.info>